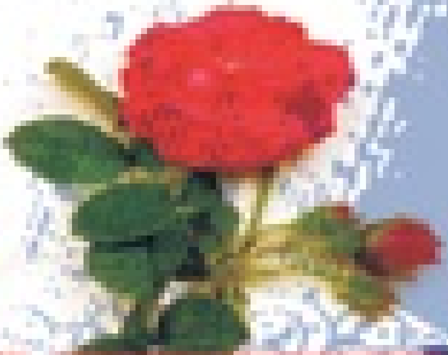
۴



زنان اسوه

خدیجه (س)

همسر گرامی رسول خدا (ص)

حسین عراقی نسب

بسم الله الرحمن الرحیم

خدیجه علیها السلام: همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه وآله

نویسنده:

حسین مرادی نسب

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خدیجه علیهاالسلام: همسر گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرادی‌نسب، حسین، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور : خدیجه علیهاالسلام: همسر گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله/ حسین مرادی‌نسب: تدوین مرکز تحقیقات حج.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۶۵ص.؛ ۱۹/۵×۹س‌م.

فروست : زنان اسوه؛ ۴.

شابک : ۶۵۰۰ ریال۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۶۱-۵:

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ سوم: بهار ۱۳۹۱.

یادداشت : کتابنامه: ص.[۶۱] - ۶۵.

موضوع : خدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج

رده بندی کنگره : BP۲۶/۲/م۴۴خ۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۰۵۶۲۰

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

دیباچه

ص: ۶

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیـای الهی به ویژه اهـل بیت خانـدان وحی (علیهم السـلام) به عنوان متقن‌ترین آموزه‌هـای تربیتی و اساسـی‌ترین مؤلفه در فرهنگ اسـلامی است. شـناخت واقعیت‌هـای زنـدگی آنـان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتـار و گفتارشـان می‌توانـد زمینه‌هـای تعـالی و سعـادت واقعی انسـان را فراهم سازد، از این‌رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست‌وجو در احوال خانـدان پاك نبوت كه در دامان پر مهر آنان کامل‌ترین انسان‌ها پرورش یافته‌اند به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای

ص: ۷

ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل‌بیت (علیهم السلام) دست به انتشار شرح حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جمله آنان شرح حال حضرت خدیجه کبری (س) همسر گرامی و فداکار رسول خدا (ص) و مادر صدیقه طاهره (س) است.

در پایان مرکز تحقیقات لازم می‌داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای حسین مرادی نسب (عضو گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۸

مقدمه

حضـرت خـدیجه از زنان برجسـته تاریخ دوران جاهلیت و بعثت بود که توانست بر قله‌های بلند انسانیت و معنویت پای بگذارد. او با گذشـتن از مال و ثروتش و با راندن خواسـتگاران توان‌گر روزگار خود، ایثار و فداکاری را به مسـلمانان آموخت. حضـرت خدیجه پس از شـناخت حضـرت محمـد (ص)، ایشـان را به همسـری خود برگزیـد و حضـرت خـدیجه نیز همه زنـدگی‌اش را در راه تحقق هدف‌های همسرش به کار بست.

حضـرت خـدیجه، نخستین کس از ایمان آورنـدگان به رسول خـدا (ص) بود و از همین روی در جایگاه یکی از زنان برتر بهشت و برگزیده نشست. رحلت او، بار اندوه سنگینی بر شانه‌های رسول خدا نهاد و تنها یاد فداکاری‌های همسرش می‌توانست به او آرامش دهد.

ص: ۹

رسول خدا با دیدن دوستان خدیجه (س) یا هنگامی که سخنی از او در میان می‌آمد، از او به نیکی یاد می‌کرد و خاطره فداکاری‌های او را در یاد می‌آورد. حضرت خدیجه (س) و دختر گرامی‌اش، حضرت صدیقه طاهره (س) بهترین الگوی زنان مسلمان در زمینه‌های گوناگون مانند ازدواج، صبر، فداکاری، تربیت فرزند و ده‌ها خصلت پسندیده دیگرند.

از این رو، مسلمانان با پیروی از چنین الگوهایی، می‌توانند به کمال انسانیت و معنویت دست یابند و در کنار همسران با ایمانشان، همواره قله‌های بلند انسانیت را درنوردند، رنگی خدایی به زندگی خود بدهند و به پرورش فرزندانی سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار بپردازند.

ص: ۱۰

خاندان

حضرت خدیجه (س)، فرزند «خویلد بن اسد بن عبدالعزّی بن‌قصی بن‌کلاب» از قبیله «قریش» (۱) و «عبدالعزی» برادر «عبد مناف» بود. پدر آن دو به «قصی بن‌کلاب» نسب می‌برد و تبار جد مشترک رسول خدا (ص) با چهار واسطه و حضرت خدیجه با سه واسطه به «قصی بن‌کلاب» می‌رسید. «خویلد»، پدر خدیجه در برابر «تُبَّع» ایستاد؛ زیرا آنان می‌خواستند حجرالاسود را با خود به «یمن» ببرند.

«ابن اسحاق» در کتاب سیره‌اش می‌نویسد: گروهی از قریشیان نزد خویلد آمدند و به او گفتند «تبع» قصد دارد حجرالاسود را همراه خود به یمن ببرد. خویلد

۱- جمهرة انساب العرب، ابن حزم، ص ۱۲۰؛ الانساب، سمعانی، ج ۱، ص ۲۱۵.

ص: ۱۱

گفت: «مرگ، نیکوتر از این است». او شمشیر برداشت و قریشیان نیز شمشیر برداشتند و با او به راه افتادند و نزد «تُبَّع» آمدند و گفتند شما را با رکن حجر چه‌کار؟ او گفت: «می‌خواهم آن را برای قومم ببرم». قریش گفتند: «مرگ نزدیک‌تر از این است». سپس نزد رکن آمدند و میان رکن و تُبَّع حائل شدند. خویلد در این‌باره شعری گفت: «مرا سرزنش نکنید تا نزد بیت با آنان بجنگم؛ زیرا عذری ندارم و شمشیر در نزدم است».

ایستادگی خویلد و یارانش، تُبَّع را به وحشت انداخت. او پس از این واقعه در خواب دید که آنان او را لعنت و به هلاکت تهدیدش می‌کنند. پدرِ خویلد (جد حضرت خدیجه) در روزگار جاهلیت در جنگ فجار کشته شد. (۱) مادر حضرت خدیجه، «فاطمهٔ بنت زائد» بود (۲) که نسبش به «عامر بن لؤی» می‌رسید. از این رو، پدر و مادر حضرت خدیجه از خانواده‌های اصیل قریش و در حسب و نسب، از برترین افراد آن دوران به شمار می‌آمدند.

۱- تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۲- المحبر، محمد بن حبیب، ص ۷۷؛ المعارف، ابن قتیبه، ص ۲۱۹؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۲۳.

ص: ۱۲

«نوفل»، «حزام» و «عوام» (۱)، برادران حضـرت خدیجه و «هاله»، «رفیقهٔ» و «ام امیمهٔ بنت بجاد» (۲) خواهران او بودند، اما «نوفل» که او را «اسـد قریش» یـا «اسـد المطیّبین» می‌خواندنـد، در جنـگ بـدر به دست علی (ع) یـا برادرزاده‌اش «زبیر» کشـته شـد. (۳) نوفل، فرزندی به نام «ورقه» داشت و «عوام» برادر دیگر حضرت خدیجه و پدر زبیر (۴)، در جنگ فجار کشته شد. (۵) «حزام»، برادر دیگر خدیجه بود که فرزندش «حکیم بن‌حزام» از یاران رسول خدا (ص) به شـمار می‌رفت و از معمّرین خوانده شده است؛ زیرا او شصت سال در دوران جاهلیت و شصت سال در روزگار اسلام زیست. «دارالندوه» از املاک او بود که بعدها آن را به معاویه فروخت. (۶)

۱- المعارف، ص ۲۱۹؛ جمهرهٔ انساب العرب، ص ۱۲۰.

۲- جمهرهٔ انساب العرب، ص ۱۲۰.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۲۱.

۵- البدء و التاریخ، مقدسی، ج ۵، ص ۸۳.

۶- جمهرهٔ انساب العرب، ص ۱۲۱.

ص: ۱۳

ص: ۱۴

شخصیت و جایگاه

مردم مکه حضرت خدیجه را می‌شناختند و او نزد قریش از جایگاه بلندی برخوردار بود و بانویی شریف، ثروت‌مند، بازرگان و تاجر (۱)، خردمند، آگاه و باهوش زمان خود به شمار می‌رفت. (۲) خداوند به او خیر و کرامت بخشید و از این رو، در حسب و نسب نیز از برترین افراد دوره خود شـمرده می‌شد. (۳) وی نخستین زنی بود که به رسول خـدا (ص) ایمان آورد (۴) و پشت سر آن حضرت در مسجدالحرام نماز خواند (۵) و بعدها «ام المؤمنین» (۶) لقب گرفت و از این

۱- السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۹؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۳.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴- المحبر، ص ۴۰۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ ج ۳، ص ۱۶.

۵- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

۶- جمهرة انساب الاشراف، ص ۱۲۰؛ اسدالغابة، ج ۶، ص ۷۸.

ص: ۱۵

افتخار بزرگ برخوردار شد و این لقب برای او جاودانه ماند. حضرت خدیجه (س) را (در کنار حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س)) از بهترین زنان دنیا (۱) شمرده‌اند. رسول خدا (ص) فرمود: «خَیرُ نِسائِها، مَریَمُ بِنتُ عِمران وَ خَدیجَةُ بِنت خُوَیلَد (۲) وَ فاطِمَةُ بِنت مُحَمَّد». (۳) وی از برگزیدگان زنان نزد خداوند (۴) و برترین زنان بهشت به شمار آمده است. (۵) رسول خدا (ص) در این‌باره فرمود: «سَیِّدهٔ نِساءِ اهلِ الجَنَّة، مَریَمُ بِنت عِمران، ثُمَّ فاطِمَةُ، ثُمَّ خَدیجَة، ثُمَّ آسِیَةُ امرأةُ فِرعَون». (۶) به هر روی، کسی به سیده قریش ملقب می‌شود که از کمال انسانی برخوردار باشد و ثروت و مال صفات پسندیده او را از میان نبرد. پی‌آمد چنین

۱- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل، ج ۴، ص ۲۷۸؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۵.

۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۳۸؛ مسند احمد، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۴؛ الآحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، ج ۵، ص ۳۸۰.

۳- «بهترین زنان دنیا مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد هستند». ابن بطریق، ص ۵۸.

۴- الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.

۵- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۸۲؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶.

۶- «سرور زنان بهشت مریم دختر عمران، فاطمه، خدیجه و آسیه همسر فرعون هستند». الآحاد والمثانی، ج ۵، ص ۳۶۴؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۱، ص ۲۶۶؛ السنن، نسائی، ج ۵، ص ۹۳.

ص: ۱۶

خصالی، بهره‌مندی از روحی پاک و بزرگ است. خدیجه نخستین زنی بود که رسول خدا (ص) با او ازدواج کرد. (۱) مقام حضرت خدیجه به قدری والا بود که هنگام فرود آمدن جبرئیل بر رسول خدا (ص)، نزد آن حضرت بودو جبرئیل سلام خداوند را به خدیجه رساند و او این سلام را پاسخ گفت (۲):

انَّ جَبرَئیلَ (ع) أتی رَسُولَ اللهِ (ص) فَقالَ: اقرِی خَدیجَةَ السَّلام مِن رَبِّها، فَقالَ رَسُولُ الله (ص): یا خَدیجَةُ! هذا جَبرَئیلُ یُقرِئُکَ السَّلامَ مِن رَبِّکَ، فَقالَت خَدیجَةُ: اللهُ السَّلام وَ مِنهُ السَّلام وَعَلی جَبرَئیل السَّلام.

جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد و فرمود از طرف خداوند به خدیجه سلام می‌رسانم. آن حضرت فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که از طرف خداوند سلام می‌رساند. خدیجه فرمود: خداوند- تعالی- خود سلام است، سلام از اوست و بر جبرئیل نیز سلام باد.

این روایت و روایاتی مانند آن از رسول خدا (ص)، بر برخورداری خدیجه از شخصیتی والا و عظمت

۱- مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۲۸۳؛ الانباء فی تاریخ الخلفاء، ابن عمرانی، ص ۴۷.

۲- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۲۰۶.

ص: ۱۷

روحی آن بانوی بزرگوار دلالت می کند.

کنیه خدیجه «ابوهند» بود (۱)و در دوران جاهلیت به سبب طهارت و پاکی روح و جسمش، او را «طاهره» می‌خواندند (۲) این لقب نیز فضیلت، پاک‌دامنی و درستی او را در کارهایش نشان می‌دهد. او هرگز با زنان شهوت‌ران ننشست و همیشه براثر بهره‌مندی‌اش از آن روح پاک و بلند، از این زنان بیزاری می‌جست و با آنان سخن نمی گفت.

گفته‌اند که او پانزده سال پیش از حادثه عام الفیل زاده شد (۳) و در سال دهم بعثت درگذشت و آن سال، «عام الحزن» خوانده شد. (۴)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۷۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۳۱؛ اسدالغابه، ج ۷، ص ۸۰؛ السیرة الحلبیه، حلبی، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۴- مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ اعلام الوری، طبرسی، ج ۱، ص ۵۳. بنابراین، شاید او کمابیش در ۶۵ سالگی درگذشته باشد.

ص: ۱۸

ازدواج و فرزندان

گفته‌انـد که خـدیجه، نامزد پسـر عمویش، «ورقهٔ بن‌نوفل بن اسد» بود، اما به دلائلی نامعلوم با یکدیگر ازدواج نکردند. (۱) تا اینکه خـدیجه به همسـری «ابوهاله»، «نباش بن زرارهٔ بن‌وقـدان» درآمد و از او دارای فرزندانی به نام «هند» و «هاله» شد. «نباش»، شـرافت و منزلتی نزد قوم خود داشت و در مکه می‌زیست. او بـا خانـدان «عبدالـدار بن‌قصـی» هم‌پیمـان شـد و قریش با هم‌پیمانان خود ازدواج می‌کردند. (۲) هند، از فرزندان حضـرت خدیجه، در جنگ جمل به شـهادت رسید. برخی نیز می‌گویند وی در جنگ بدر یا جنگ احد به شهادت رسید. (۳)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۲- همان.

۳- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۷.

ص: ۱۹

همچنین فرزنـد دیگری به نام حارث از «ابوهاله» و «خـدیجه» برشـمرده‌اند. «حارث» پس از بعثت رسول خـدا (ص) در خانه خـدیجه بود و اسلام آورد و پیوسته اسلامش را آشکارا می‌ساخت. گفته‌اند که او نخستین نمازگزار نزد رکن یمانی بوده است.

روزی حـارث میان گروهی از قریش نشسـته بود و آنان درباره رسول خـدا (ص) چیزهایی گفتنـد که او را خوش نمی‌آمـد و از این رو، خشـمگین شد و نزاعی میان او و مردی از نادانان قریش درگرفت و آن مرد به اندازه‌ای به شکم حارث زد تا اینکه بی‌هوش شد و درگذشت. (۱) حضـرت خـدیجه پس از مرگ شوهرش ابوهاله، با «عتیق بن عابد» ازدواج کرد (۲) و دختری به نام «هنـد» به دنیا آورد. (۳) هنـد با «صـیفی بن امیه» ازدواج کرد و فرزندی به نام «محمد» به دنیا آورد. فرزندان و نوادگان محمد را به پاس حضـرت خدیجه، «بنی‌طاهره» می‌خواندند. (۴) هند همواره به مادرش خدیجه افتخار می‌کرد و پیوسته می‌گفت:

۱- انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۶۷.

۲- المحبر، صص ۷۹ و ۴۵۲.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸ ص ۱۱.

۴- المحبر، ص ۷۹؛ الطبقات الکبری، ج ۸ ص ۱۲.

ص: ۲۰

من گرامی‌ترین مردم از [دید انتساب به این] پدر و مادر و برادر و خواهرم؛ پدرم رسول خدا (ص)، مادرم حضرت خدیجه، خواهرم فاطمه (س) و برادرم قاسم است. (۱) برخی از مورخان، نخستین شوی خدیجه را «عتیق بن‌عابد» و بعد از او «ابوهاله» را شوهر وی دانسته‌اند (۲)، اما برپایه شماری از منابع، حضرت خدیجه پیش از ازدواجش با رسول خدا (ص)، به همسری کسی در نیامده بود (۳) و فرزندانی را که برای آن حضرت شمرده‌اند، به خواهرش منسوبند. (۴) البته ادعای باکره بودن حضرت خدیجه (س) هنگام ازدواج با رسول خدا، با گزارش‌های تاریخی درباره ازدواج‌های پیشین آن حضرت ناسازگار است. هنگامی که رسول خدا (ص) از کاروان تجاری شام بازمی‌گشت و به مکه می‌آمد، حضرت خدیجه مجذوب معنویت او شد و به وی دل بست. خدیجه از دید نسب و مال، برترین مردمان قریش بود و از این رو، بسیاری از آنان خواستار ازدواج با او بودند،

۱- انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۶۶.

۲- تاریخ الطبری، طبری، ج ۳، ص ۱۶۱؛ ج ۱۱، ص ۵۹۳.

۳- مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴- الصحیح من سیرة النبی الأعظم، سید جعفر عاملی، ج ۲، ص ۱۲۲.

ص: ۲۱

اما او خواستگاران خود را نمی‌پذیرفت تا اینکه با رسول خدا آشنا و دلداده شخصیت آن حضرت شد.

«نفیسهٔ بنت منیهٔ» می گوید: پس از اینکه رسول خدا از شام بازگشت، خدیجه مرا پنهانی به سوی پیامبر (ص) فرستاد. من به او گفتم: «ای محمد! چه چیزی مانع ازدواج تو شده است؟» فرمود: «در دستم مالی برای ازدواج نیست». گفتم: «اگر تو را به سوی برترین کس در جمال، مال، شرف و هم‌تایی (کفویت) بخوانم، دعوتم را می‌پذیری». فرمود: «او چه کسی است؟» گفتم: «خدیجه و این کار را برایت به سرانجام می‌رسانم».

به خدیجه خبر دادم و زمانی را معین کردم. (۱) رسول خدا (ص) این پیشنهاد را پذیرفت (۲) و حضرت خدیجه همراه با عمویش «عمرو بن اسد» که از بزرگان بود و رسول خدا (ص) همراه با عمویش «ابوطالب» (۳) و «حمزه» (۴) و بزرگان قوم، حاضر شدند. (۵) خطبه عقد آن دو را حضرت ابوطالب (ع)

۱- امتاع الاسماع، مقریزی، ج ۶، ص ۳۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۳- المحبر، ص ۷۸.

۴- السیرهٔ النبویهٔ، ج ۱، ص ۲۰۱.

۵- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۵.

ص: ۲۲

خواند (۱) و خدیجه دستور داد که گوسفندی را ذبح و با آن طعامی درست کنند. او در این هنگام چهل سال داشت و رسول خدا (ص) بیست (۲) یا ۲۵ (۳) یا سی ساله بود. (۴) خطبه عقد حضرت ابوطالب چنین است:

خدای را سپاس که ما را از نسل ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و برای ما کعبه را حرم امن قرار داد و ما را بر مردم سروری داد و شهر ما را که در آن هستیم، مبارک ساخت سپس به راستی برادر زاده‌ام محمد بن عبدالله اگر چه از مال تهی دست است، با هیچ مردی از قریش سنجیده نمی‌شود؛ جز آنکه بر او فزون آید و با احدی قیاس نشود؛ مگر آنکه از او بزرگ‌تر باشد؛ چه آنکه مال مایه زوال و نابودی است. او خواستار خدیجه و خدیجه خواستار اوست. مهر او آنچه بخواهید نقد از مال من است و به خدا قسم او را امری بزرگ است.

پس از ابوطالب، عموی خدیجه «عمرو بن اسد» گفت:

۱- المحبر، ص ۷۸.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳- السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۹۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

ص: ۲۳

ای گروه قریش گواه باشید که من خدیجه را به عقد محمد درآوردم و این ازدواج فرخنده‌ای است که هرگز سست نشود. (۱) سپس حضرت ابوطالب حُله‌ای را بر سر خدیجه انداخت. قبول آن حُله به معنای پذیرش ازدواج (۲) و مهریه ایشان دوازده اوقیه (چهل درهم) بود. (۳) عموی حضرت خدیجه، عمرو بن اسد پس از مدت کوتاهی از ازدواج خدیجه با رسول خدا (ص) درگذشت. (۴) روایات ساختگی در مخالفت پدر حضرت خدیجه با ازدواج او با رسول خدا (ص) نقل شده است (۵) که با توجه به درگذشت او پیش از بعثت در بطلان آنها شکی نیست. رسول خدا (ص) تا زمانی که حضرت خدیجه زنده بود، با هیچ کسی ازدواج نکرد (۶)، زیرا او را در میان زنان آن روزگار هم‌کفو خود و از جاذبه‌های معنوی و شایستگیهای فردی برخوردار می‌دانست.

بر پایه برخی از روایات، خدیجه با ازدواج با پیامبر

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۲- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۱.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴.

۴- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۵- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

۶- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۷؛ التعریف و الاعلام، عبدالرحمن سهیلی، ص ۲۵۷.

ص: ۲۴

دارای شـش یا هفت یا هشت فرزنـد شـد که روایت معروف در این‌باره بر شـش فرزند دلالت می کند. عده‌ای معتقدند برخی از این فرزنـدان از شـوهران قبلی خـدیجه بوده‌انـد. گرچـه برخی از محققـان ایـن را ردّ کرده و نپـذیرفته و آنـان را خواهرزادگـان خـدیجه دانسـته‌اند که نزد او زنـدگی می کردنـد. وقتی خدیجه با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، آنان هم به همراه خدیجه به خانه رسول‌خدا (ص) آمدند و آنان را از فرزندان حضرت شمردند در حالی که فرزندان ایشان نبودند.

نـام نخسـتین فرزنـد حضـرت خـدیجه «قـاسم» بـود که پیش از بعثت به دنیـا آمـد و در دوسـالگی (۱) و بنـابر نقلی در چهارسـالگی درگذشت. (۲) کنیـه «ابوالقـاسم» برای پیـامبر برگرفتـه از نـام ایـن فرزنـد است. (۳) فرزنـدان دیگر حضـرت خـدیجه، زینـب، رقیه، ام‌کلثوم، فاطمه (س) و عبـدالله بودنـد. عبدالله در یک ماهگی درگذشت و خدیجه درباره‌اش فرمود: «ای کاش زنده می‌ماند تا او را از شیر می گرفتم». (۴) پیامبر فرمود: «برای او در بهشت شیردهنده‌ای

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۷۹.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

ص: ۲۵

است که دوران شیرخوارگی او را کامل می‌کند». (۱) عبدالله پس از بعثت (در دوره اسلام) متولد شد و از این رو، او را «طیب» یا «طاهر» می‌نامیدند. (۲) آنانی که شمار فرزندان را هفت نفر ذکر کرده‌اند، عبدالله را کسی جز طیب؛ یعنی همان طاهر دانسته‌اند (۳)، کسانی طاهر را نیز فرزند دیگر آن حضرت می‌دانند و به همین سبب او را ابوطاهر می‌خوانند (۴)، اما کسانی که هشت فرزند برای پیامبر برمی‌شمرند، فرزند دیگری به نام عبدمناف که پیش از بعثت به دنیا آمد، به او نسبت می‌دهند. (۵) باری، فاطمه زهرا (س)، تنها یادگار رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه بود که خداوند نسل امامت را به وی ارزانی کرد. امام صادق (ع) درباره چگونگی ولادت فاطمهٔ زهرا (س) می‌گوید: زمانی که خدیجه با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، زنان قریش خدیجه را به سبب این ازدواج ترک کردند و با او هم‌نشین

۱- البدایهٔ و النهایهٔ، ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ج ۳، ص ۵.

۳- تاریخ الائمهٔ، کاتب بغدادی، ص ۱۵؛ الهدایهٔ الکبری، خصیبی، ص ۳۹الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۵.

۴- ؛ البدء و التاریخ، مقدسی، ج ۵، ص ۱۶.

۵- البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۶.

ص: ۲۶

نمی‌شدند و سخن نمی گفتند. حضرت خدیجه غمگین شد، اما فاطمه در شکم او با وی سخن می گفت.

روزی رسول خدا (ص) به خانه آمد و شنید که خدیجه با کسی سخن می‌گوید. فرمود: «ای خدیجه! با که سخن می گویی؟» گفت: «با جنینی که در شکم دارم. او با من سخن می‌گوید و مونس من است». فرمود: «ای خدیجه! جبرئیل درباره این دختر مرا بشارت داد و گفت: نسل پاک تو از اوست و نسل ائمه (علیهم السلام) از او پدید می‌آید».

هنگام زایمان خدیجه فرا رسید و آن حضرت غمگین بود که ناگاه چهار زن نزد او آمدند. یکی از آنان گفت: «غمگین نباش که ما خواهران توایم؛ من ساره‌ام، این آسیه بنت عمران و ... است». سپس آن حضرت فاطمه را به دنیا آورد. (۱) «سلمی»، کنیز «صفیهٔ بنت عبدالمطلب» در همه زایمان‌های حضرت خدیجه، مامای او بود. (۲) خدیجه برای هر فرزندِ پسر که به دنیا می‌آورد، دو گوسفند و برای فرزندِ دختر، یک گوسفند عقیقه می کرد. فاصله تولد میان فرزندانش یک سال بود و پیش از تولد

۱- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۵۲۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ج ۸، ص ۱۸۱.

ص: ۲۷

فرزنـدانش برای آنان دایه‌ای برمی‌گزید. (۱) او و همه دخترانش، به نبوت رسول خـدا (ص)، ایمان آوردنـد و او را تصـدیق کردند. (۲) «زینب» پیش از بعثت پیـامبر، بـا «ابوالعـاص بن ربیع» ازدواج کرد و او در جنـگ بـدر اسـیر شـد و زینب برای آزادی‌اش، پول و گردن‌بنـد مادرش خدیجه را فرسـتاد. رسول خدا (ص) آن گردن‌بند را شـناخت و فرمود: «اگر می‌خواهید او را آزاد کنید و اموالش را به او بازگردانید». (۳) او (ابوالعاص) از زینب دو فرزنـد به نام‌های «علی» و «امامه» داشت. (۴) امیرمؤمنان پس از شهادت حضرت فـاطمه زهرا (س) بـا امامه، دختر زینب ازدواج کرد. (۵) «هاله»، مادر «ابوالعاص» و خواهر حضـرت خـدیجه بود؛ یعنی خـدیجه خاله ابوالعاص به شـمار می‌رفت. (۶) ابوالعـاص از مردان ثروتمنـد و امین و از تـاجران مکه بود و حضـرت خـدیجه از رسول خـدا (ص) خواست که او را به دامادی بگیرد و آن حضرت در چنین

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۴؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳- المغازی، واقدی، ج ۱، صص ۱۳۰- ۱۳۱؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۲، ص ۴۲۸.

۴- جمهرة انساب العرب، ص ۱۷.

۵- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۷؛ تاریخ الائمة، ص ۱۵؛ الهدایة الکبری، ص ۳۹.

۶- السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۰۶.

ص: ۲۸

پیشنهادها با خدیجه مخالفت نمی‌کرد. (۱) از این رو، خواسته خدیجه را برآورد و دخترش زینب را به ابوالعاص داد. خدیجه خواهرزاده خود را همچون فرزندش دوست می‌داشت و مانند فرزندانش با او رفتار می‌کرد. پس از اینکه رسول خدا (ص) به نبوت برگزیده شد، حضرت خدیجه و دخترانش به وی ایمان آوردند، اما ابوالعاص از ایمان آوردن سرتابید. (۲) حتی قریش بر ابوالعاص، «عتبه» و «شیبه» فشار آورد که دختران آن حضرت را طلاق دهند. قریشیان به آن دو گفتند: «شما هر کسی را برگزینید، او را به عقدتان درمی‌آوریم». عتبه این پیشنهاد را پذیرفت، اما ابوالعاص گفت: «همسر من با هیچ زنی از قریش برابری نمی‌کند» و رسول خدا (ص) او را ستود.

هنگامی که زینب اسلام آورد، می‌بایست از همسرش جدا می‌شد، اما رسول خدا (ص) در آن هنگام در مکه قدرت نداشت و نمی‌توانست این کار را به سرانجام برساند و وضع بر همان شیوه ماند تا اینکه ابوالعاص در روز بدر اسیر شد (۳) و پس از اینکه رسول خدا (ص) فدیه او را بازگرداند، از وی پیمان گرفت که دخترش زینب را

۱- المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۲۶.

۲- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۳؛ السیرهٔ النبویهٔ، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳- السیرهٔ النبویهٔ، ج ۲، ص ۳۰۷.

ص: ۲۹

به مدینه بفرستد. ابوالعاص نیز بر پایه این عهد زینب را به مدینه فرستاد. (۱) ابوالعاص در سال هفتم بعثت اسلام آورد و رسول خدا (ص) زینب را با عقد و مهر جدید به ازدواج او درآورد. (۲) حضرت فاطمه زهرا (س) تنها دختر خدیجه از رسول خدا (ص) بود که با علی (ع) ازدواج کرد و ۷۵ یا ۹۵ روز پس از رحلت رسول خدا (ص) به شهادت رسید و بر پایه وصیت آن حضرت، وی را شبانه دفن کردند تا کسی مدفن او را نیابد.

خانه حضرت خدیجه، همان خانه‌وی در مکه بود که با رسول خدا (ص) در آن می‌زیست و همه فرزندان خدیجه در آنجا به‌دنیا آمدند و رسول خدا (ص) پس از رحلت حضرت خدیجه تا پیش از هجرتش به مدینه در آن خانه ساکن بود؛ سپس آن خانه به عقیل بن ابی‌طالب سپرده شد (۳) و بعدها معاویه آن را خرید و به مسجد بدل کرد. (۴)

۱- السیرهٔ النبویهٔ، ج ۲، ص ۳۰۸؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۲۸.

۲- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶.

۳- اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۱؛ اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۹.

ص: ۳۰

حضرت خدیجه پیش از بعثت

وی بانویی ثروتمند، و تجارت‌پیشه بود و از این راه درآمد خوبی داشت و از همین روی، اموالش را در قالب مضاربه به مردان می‌سپرد تا آنان نیز از این راه درآمد حلالی به دست آورند. هنگامی که رسول خدا (ص) در مکه به «امین» شهرت یافت (۱)، و راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق نیکوی او (۲) سبب شد که خدیجه برای او پیغام بفرستد و از وی بخواهد که همراه غلامش میسره، کاروان بازرگانی او را تا شام همراهی کند. خدیجه به محمد (ص) گفت: «دو برابر آنچه را که به دیگران پرداخت می‌کنم، به شما می‌پردازم».

حضرت محمد (ص) این کار را پذیرفت و آن کاروان

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۲- البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۹۴.

ص: ۳۱

را همراهی کرد و با داد و ستدهای خود، کاروان را از سود سرشاری بهره‌مند ساخت. حضرت خدیجه برپایه وعده‌خود، دو برابر آنچه را به دست آورده بود، به آن حضرت پرداخت. (۱) بنابر گزارشی، هنگامی که محمد (ص) بیست ساله شد، حضرت ابوطالب فرمود: «ای برادر زاده! حضرت خدیجه زنی ثروتمند و تاجر است و به کسی امانت‌دار و پاک‌دامن همچون تو نیاز دارد. به من وکالت می‌دهی که با خدیجه درباره تجارت و برخی از دیگر کارها سخن بگویم».

آن حضرت فرمود: «آنچه را صلاح می‌دانی، همان را به سامان رسان». حضرت ابوطالب برای وکالت حضرت محمد (ص) در برخی از کارهای تجاری با خدیجه سخن گفت و او پذیرفت و آن حضرت را همراه با غلامش «میسره» برای تجارت به شام فرستاد. میسره درباره دیدنی‌های خود در راه این سفر و گفته راهب درباره آن‌حضرت و سود به دست آمده از تجارت و از پاکی و امانت محمد با خدیجه سخن گفت و افزود: «هنگامی که با او غذا می‌خوردم، سیر می‌شدم و غذایی بیشتر از آن نیز می‌ماند». (۲)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷.

ص: ۳۲

«حلیمه سعدیه»، دایه رسول خدا (ص) پس از ازدواج آن حضرت با خدیجه، نزد او آمد و آن حضرت وی را پاس‌داشت. حلیمه از خشک‌سالی و هلاکت چهارپایش شکایت کرد. رسول خدا (ص) با خدیجه در این‌باره سخن گفت و آن حضرت چهل گوسفند و یک شتر بارکش (هودج دار) به او داد و با نیکی او را به خانواده‌اش بازگرداند. (۱) همچنین «ثُوَیبَه»، دایه آن حضرت پس از ازدواج رسول خدا (ص) با خدیجه پیش او رفت و آن حضرت به وی نیکی کرد و او را گرامی داشت. خدیجه نیز او را اکرام کرد و از «ابولهب»، عموی آن حضرت خواست تا ثویبه را به او بفروشد تا پس از آن آزادش کند، اما ابولهب این پیشنهاد را نپذیرفت و از فروختن وی به خدیجه سرباز زد. (۲)

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- همان، ص ۱۰۶.

ص: ۳۳

ص: ۳۴

همراهی با رسول خدا (ص)

خدیجه همسری مهربان و دل‌سوز برای پیامبر و در همه روی دادها با وی هم‌گام و همراه بود. هنگامی که آن حضرت برای عبادت به کوه حرا می‌رفت تـا به راز و نیـاز بـا خداونـد بپردازد، خـدیجه هرگز بـا رفتنش مخالفت نمی‌کرد و پیوسته یاور و پشتیبان او بود. حتی هنگامی که آن حضـرت در غار حرا به سـر می‌برد، بدون آنکه با مخالفت خدیجه روبه‌رو شود با برداشتن توشه غذای خود، به غار بازمی‌گشت. (۱) هنگامی که خداوند حضـرت محمد (ص) را در غار حرا به رسالت برگزید، خدیجه نخستین کس از زنان بود که به وی ایمان آورد و حتی پـذیرفت که همه دارایی خود را در راه پیشبرد اسـلام به رسول خدا (ص) بدهد. هنگامی که مشـرکان مکه هم‌پیمان شدنـد تا بر بنی‌هاشم؛ یعنی حامیان و مـدافعان رسول خـدا (ص) فشار آورند و بر این شدند که بنی‌هاشم را در شـعب ابی‌طالب محصور کننـد، «ابوجهل» از رساندن خوراك و آذوقه بدان شِـعب جلوگیری می‌کرد. حضـرت خدیجه، «زمعهٔ بن اسود» را نزد ابوجهل فرسـتاد تا با او سـخن بگوید و او را از این کار باز دارد، اما ابوجهل به سـخنان او اعتنا نمی‌کرد تا اینکه «حکیم بن‌حزام» یك بارِ شتر از آرد برای خدیجه به شـعب فرستاد. (۲) بر پایه گزارشـی، ابوجهل، حکیم بن‌حزام را با غلامش دیـد که چندی گندم همراه خود دارد و به شـعب می‌برد. ابوجهـل گفت: «آیا برای بنی‌هاشم آذوقه می‌بری؟ به خـدا سوگنـد نمی‌گـذارم از اینجا بروی تا اینکـه رسـوایت کنـم». «ابوالبختری» (برادر ابوجهـل) گفت: «این آذوقه از مـال خـدیجه است و حکیم اکنـون می‌خواهـد آن را نزد خـدیجه ببرد. آیـا از رسانـدن مـال به صـاحبش جلوگیری می‌کنی؟ راه او را بـاز کن!» اما ابوجهل همچنان سرسـختی نشان می‌داد تا اینکه برادرش با او درگیر شد. (۳)

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳- السیرهٔ النبویهٔ، ج ۱، ص ۳۷۹؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۳۷.

ص: ۳۵

حضرت خدیجه (س) به ویژه در دوران محصور شدن بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب (سه سال)، اموالش را انفاق کرد (۱) و در همه سختی‌ها و رنج‌ها با پیامبر همراهی می‌کرد. همین همراهی خدیجه، مایه آرامش پیامبر در برابر آزارهای مشرکان بود.

رسول خدا (ص) درباره حضرت خدیجه فرمودند:

خداوند بهتر از او (خدیجه) را به من نداد و او نخستین مؤمن به من بود؛ هنگامی که مردم مرا کافر می‌خواندند، او تصدیقم کرد؛ هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند، با اموالش از من حمایت کرد؛ هنگامی که دیگران مرا تحریم می‌کردند. (۲)

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴.

ص: ۳۶

ص: ۳۷

حضرت خدیجه و جریان زید بن حارثه

رسول خدا (ص) در بازار نوجوان زیبایی را دید که از عقل و ادب برخوردار است و درباره صفات خوب او با حضرت خدیجه سخن گفت و فرمود: «اگر نزد من مالی بود، او را می‌خریدم». (۱) حضرت خدیجه بهای آن نوجوان را پرسید. آن‌حضرت فرمود: «هفت‌صد [درهم]». (۲) خدیجه به «ورقهٔ بن‌نوفل» گفت: «از مال من او را بخر». سپس آن‌حضرت فرمود: «با رضایت کامل آن را به من ببخش!» خدیجه فرمود:

ای محمد! من او را پاکیزه‌روی و خوب می‌بینم و دوست دارم او را به فرزندی بگیری. می‌ترسم از اینکه او را بفروشی یا ببخشی.

۱- تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

۲- اسدالغابهٔ، ج ۲، ص ۳۵۱؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۱۹، ص ۳۵۲.

ص: ۳۸

پیامبر (ص) فرمود: «من او را به فرزندی می‌گیرم». سپس از مال خدیجه، «زید» را خرید و نزد ایشان آورد. (۱) «محمد بن‌حبیب» می‌گوید: «خود رسول خدا (ص) او را خرید و آزاد کرد و به فرزندخواندگی برگزید». (۲) برپایه گزارشی دیگر، رسول خدا (ص) از خدیجه خواست پس از اینکه با او ازدواج کرد، زید را به وی ببخشد (۳) و پس از اینکه حضرت خدیجه زید را بخشید، آن‌حضرت او را آزاد کرد. (۴) بر پایه برخی از دیگر گزارش‌ها «حکیم بن‌حزام» او را برای عمه‌اش به چهارصد درهم خرید (۵) یا غلامانش را به وی عرضه کرد و او زید را برگزید. (۶)

۱- تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

۲- المحبر، ص ۱۲۸.

۳- المعارف، ص ۱۴۴.

۴- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۴؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۱۹، ص ۳۵۲؛ اسدالغابه، ج ۲، ص ۳۵۱؛ الاصابه، ابن حجر، ج ۲، ص ۴۹۵ با اختلاف در عبارات.

۵- الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۰؛ المعارف، ص ۱۴۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۱۱۵.

۶- السیرهٔ النبویهٔ، ج ۱، ص ۲۶۴.

ص: ۳۹

افتخار کردن به حضرت خدیجه

جایگاه و شأن حضرت خدیجه نزد مردم روشن و شناخته شده بود. از همین روی، هنگامی که «معاویه» پس از بیعت مردم با وی خطبه خواند و از علی (ع) و امام حسن (ع) یاد کرد، امام حسن (ع) برخاست و گفت:

ای کسی که از علی یاد کردی! من حسنم، پدرم علی بود و تو معاویه‌ای و پدرت صخر، مادر من فاطمه و مادر تو هند و جد من رسول خدا و جد تو حرب، جده من خدیجه و جده تو قتیله بود. (۱) جایگاه بلند حضرت خدیجه (س) سبب می‌شد که افرادی به انتساب به آن بانوی گرامی در

۱- الاربعون حدیثا، ابن بابویه رازی، ص ۷۹.

ص: ۴۰

برابر مخالفان خود افتخار کنند. برای نمونه، «محمد بن‌حنفیه» در برابر «ابن زبیر» چنین منازعه می کرد:

اگر پاس‌داشت مقام خـدیجه دختر خویلـد نمی‌بود، درباره بنی‌اسد چیزهایی می گفتم و در برابر آسـیب‌های برآمده از سـخنانم صبر می کردم. (۱) «دینوری» می‌نویسد: هنگام رسیدن یزید ملعون به خلافت، «ابن‌زبیر» با «نعمان بن بشیر» والی مدینه خلوت کرد و به او گفت:

تو را به خدا سوگند به من بگو که من در نظر تو بهترم یا یزید. پدر من در نظر تو بهتر است یا پدر او. مادر من در نظر تو بهتر است یا مادر او. خاله من در نظر تو بهتر است یا خاله او. عمه من در نظر تو بهتر است یا عمه او؟

وی گفت:

پدر تو زبیر، مادرت اسماء دختر ابوبکر، خاله‌ات عایشه و عمه‌ات خدیجه است.

ابن زبیر گفت: «به رغم این به من می گویی که با

۱- مروج الذهب، ج ۳، ص ۸۰.

ص: ۴۱

او (یزید) بیعت کنم!» نعمان گفت: «دیگر نزد تو نمی‌آیم». گفتنی است که حضرت خدیجه عمه زبیر بود نه ابن زبیر. (۱)

۱- اخبار الطوال، دینوری، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

ص: ۴۲

ص: ۴۳

رحلت خدیجه (ع)

درباره زمان رحلت خدیجه دیدگاه‌های گوناگونی هست. برخی از مورخان، هنگامه مرگ او را یک ماه و پنج روز یا ۲۵ روز (۱) یا سه روز پس از درگذشت ابوطالب (۲) در دهم رمضان سال دهم؛ یعنی سه سال پیش از هجرت (۳) در ۶۵ سالگی دانسته‌اند. (۴) بدن پاک حضرت خدیجه را «ام‌ایمن» و «ام‌الفضل» همسر «عباس» غسل دادند (۵) و پیکر او را از خانه‌اش تا «حجون» در مکه تشییع کردند و رسول خدا (ص) به درون قبر همسرش رفت (۶) و برای او دعا کرد (۷)، اما آن

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ تاریخ الصحابه، ابن حبان، ص ۹۲.

۳- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

۴- الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۱۴ و ۱۷۴.

۵- امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۳۱.

۶- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

۷- ینابع المودهٔ، قندوزی، ج ۲، ص ۵۱.

ص: ۴۴

زمان نماز میت واجب نشده بود (۱) تا بر بدن وی نماز بخواند. هنگام مرگ خدیجه، ۴۹ سال و هشت ماه از عمر رسول خدا گذشته بود. (۲) سال دهم، در اثر این دو مصیبت (درگذشت حضرت خدیجه و ابوطالب) بر رسول خدا (ص)، سخت گذشت و «عام الحزن» نام گرفت. (۳) رسول خدا (ص) در آن سال فرمود: «نمی‌دانم برای کدام‌یک از این دو مصیبت بیشتر ناله کنم». (۴) این دو بزرگوار یار و یاور و پشتیبان پیامبر (ص) بودند؛ زیرا به پشتوانه نفوذ خود از آزار رساندن مشرکان به آن حضرت جلوگیری می‌کردند، اما پس از رحلت آن دو، آزارها و اهانت‌ها به آن حضرت آغاز شد و از این رو، می‌فرمود: «تا زمانی که آن بزرگواران زنده بودند، چنین جسارت‌ها بر من روا نمی‌آمد».

فاطمه زهرا (س) پس از رحلت حضرت خدیجه، دامن پدرش را می‌گرفت و می‌گفت: «مادرم کجاست؟» جبرئیل فرمود: «بگو خداوند بزرگ برای مادرت در

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۴۷.

۳- مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ۳۵.

ص: ۴۵

بهشت خانه‌ای از دُر و گوهر ساخته است». (۱) روایاتی از رسول خدا (ص) درباره مقام و منزلت خدیجه نقل شده است:

قالَ رَسُولُ اللهِ امرتُ أن ابَشِّرَ خَدیجَةَ بِبیتٍ مِن قَصَبٍ، لا صَخَبَ فِیهِ وَ لا نَصَب. (۲) من مأمور شدم خدیجه را به خانه‌ای از دُرّ و لؤلؤ (بهشت) بشارت دهم که فریاد و دشنام و رنجی در آن نیست.

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ المغازی النبویه، زهری، ص ۴۵ با عبارت دیگر.

۲- المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۸۸.

ص: ۴۶

ص: ۴۷

یاد کردن پیامبر (ص) از خدیجه پس از رحلت او

پیامبر سال‌ها پس از مرگ حضرت خدیجه، همواره از او یاد و در یادش گریه می‌کرد و می‌فرمود:

خداوند بهتر از او را به من نداده است. او به من ایمان آورد؛ هنگامی که مردم کافر بودند، نبوت من را تصدیق کرد؛ هنگامی که مردم تکذیبم کردند، اموالش را به من سپرد؛ هنگامی که مردم مرا محروم می‌کردند. خداوند متعال از او به من فرزندانی بخشید. (۱) آن‌گاه که در جنگ بدر برای آزادی اسیران فدیه پرداخت می‌شد، زینب دختر رسول خدا (ص) برای آزادی همسرش ابوالعاص بن‌ربیع پول و گردن‌بند مادرش خدیجه را فرستاد که در شب عروسی‌اش به

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۰۳.

ص: ۴۸

او داده بود. رسول خدا (ص) با دیدن آن غمگین شد و به گریه افتاد و از خدیجه نام برد و بر او رحمت فرستاد (۱) و فهمید اگر زینب مال دیگری می‌داشت، آن گردن‌بند را نمی‌فرستاد و از این رو، به مسلمانان فرمود: «اگر می‌خواهید او را آزاد کنید و این مال و گردن‌بند را برگردانید». آنان نیز ابوالعاص را آزاد کردند و مال و گردن‌بند را باز فرستادند. (۲) بر پایه روایتی از عایشه، زنی سیاه‌چهره نزد رسول خدا (ص) آمد و آن حضرت او را پاس داشت و از دیدن او خوشحال شد. از او پرسیدم: «ای رسول خدا! [چرا] این زن سیاه‌چهره را چنین گرامی داشتی؟» آن حضرت فرمود: «زیرا این زن بارها نزد خدیجه می‌آمد». سپس فرمود: «حُسنُ العَهدِ مِنَ الإیمانِ» (۳)؛ «نیک عهدی از ایمان است». رسول خدا با دیدن آن زن، حضرت خدیجه را در یاد می‌آورد و پاسداشت او را احترام به خدیجه می‌دانست.

همچنین هرگاه رسول خدا (ص) گوسفندی را ذبح می‌کرد، چنین می‌فرمود: «آن را برای دوستان خدیجه

۱- المغازی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۹.

ص: ۴۹

بفرستید که من دوستان خدیجه را دوست دارم». (۱) حضرت با این کار، خاطره آن بانوی فداکار را زنده نگاه می‌داشت.

حضرت خدیجه از رسول خدا (ص) روایت‌هایی نیز نقل کرده است. (۲)

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱؛ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، ج ۷، ص ۱۳۴؛ صحیح، ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۶۷.

۲- ثقات، ابن حبان، ج ۳، ص ۱۱۴.

ص: ۵۰

ص: ۵۱

درس‌هایی از زندگی حضرت خدیجه

حضرت خدیجه (س) در همه زمینه‌ها الگوی زنان جامعه امروزی است؛ زیرا او به رغم گستردگی شرک در دوران جاهلیت و بعثت در مکه، از آلودگی‌های فرهنگی و اجتماعی برکنار ماند و توانست خود را از دید اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی در آن بستر آلوده حفظ کند و با استواری در راه قله‌های کمال گام بردارد و با جوانی پاک و امین ازدواج کند و شوهرش را در راه اعتلای کلمه توحید و آیین جدیدش (اسلام) یاری رساند.

وی با سپردن اموالش به رسول خدا (ص) برای گسترش اسلام و کمک به مستضعفان خدمات ارزنده‌ای انجام داد. چند نمونه از درس‌های آن شخصیت بزرگوار به زنان جامعه امروزی بدین شرح عرضه می‌شود:

ص: ۵۲

الف) او بانویی شریف، آگاه و خردمند در روزگار خود بود و با پاک نگاه داشتن جسم و روح خود توانست از تیرگی فساد جامعه جاهلی بر کنار ماند. گفته‌اند که برخی از زنان مکه در روزگار جاهلیت بالای خانه‌های خود پرچمی می‌افراشتند و مردم را به خوش گذرانی و لهو و لعب فرا می‌خواندند، اما حضرت خدیجه (س) هیچ گاه با این زنان هوس‌باز هم‌نشین نمی‌شد و از آنان بیزاری می‌جست و به همین سبب او را در جاهلیت «طاهره» می‌خواندند.

زنان امروز نیز باید چنین بانویی را الگوی خود در زندگی برگزینند و در برابر تبلیغات دشمن که با ابزارهای گوناگون به گسترش فساد در جامعه می‌پردازد، استوار بایستند و از او درس طهارت روح و جسم، عفت و پاکدامنی بگیرند.

امروز به برکت دین اسلام و اهل‌بیت (علیهم السلام) و به برکت انقلاب اسلامی که بارقه امیدی بر همه جهانیان تابید، از هجمه‌های فرهنگی دشمنان اسلام می‌توان خود را حفظ کرد و همچون حضرت خدیجه در راه هدف خود پایدار بود و از گناهان در جامعه بیزاری جُست.

ص: ۵۳

ب) خدیجه (س) دارایی فراوان خود را در قالب مضاربه به کار می گرفت و زمینه کار و کسب را برای افراد بی‌سرمایه فراهم می‌آورد این کار درسی برای ثروتمندان و تاجرانِ جامعه مسلمان است. آنان می‌توانند سرمایه خود را به جوانان پاک بسپرند تا آنان افزون بر کسب روزی حلال، به کار سرگرم شوند و چرخ‌های اقتصادی جامعه را بچرخانند. متأسفانه امروزه افراد در جامعه کنونی به یکدیگر اعتماد ندارند تا پول و امکانات خود را به دیگران بسپرند، اما با تربیت صحیح و عمل به آموزه‌های قرآنی و روایات می‌توان این اعتماد را به جامعه باز گرداند.

ج) حضرت خدیجه اموال فراوانی داشت، اما هنگامی که جوان پاک و بدون سرمایه‌ای همچون محمد (ص) را شناخت، به او پیشنهاد ازدواج داد. این روش نیکو را خانواده‌ها باید به کار گیرند و با آن مشکلات جوانان‌شان را حل کنند. اگر خانواده دختر یا پسرِ پاک‌دامنی را بیابد، بی‌هیچ مشکلی می‌تواند از او خواستگاری کند.

د) آن بانوی بزرگ (س) پس از ایمان آوردن به رسول خدا (ص)، اموال فراوانش را به آن حضرت سپرد

ص: ۵۴

و این کار نشان می‌دهد که ثروت ماندنی نیست، اما آن را برای پیشبرد اسلام می‌توان به کار گرفت و حتی با کمک همسر خود در کارهای خیر پیش گام شد.

ه) حضرت خدیجه همسرش را در مشکلات و رنج‌ها همراهی می‌کرد.

زنان این روزگار نیز همچون وی باید در رنج‌ها و مشکلات شوهرانشان را یاری دهند و با آنان همراه باشند.

و) رسول خدا (ص) با دیدن یادگاری از خدیجه یا دوستان او، از خدیجه یاد می‌کرد و غمگین می‌شد و بر او درود می‌فرستاد. چنانچه زن پاک‌دامن و باتقوایی که با دوستان یا همسایگان خود به خوبی رفتار می‌کند، از دنیا برود، دوستانش غمگین می‌شوند و اگر رفتار خوبی را از کسی ببیند، بی‌درنگ از او یاد می‌کنند و خاطره وی را به یاد می‌آورند و بر او درود می‌فرستند.

ز) رسول خدا (ص) دوستان خدیجه را به سبب خوبی آن حضرت گرامی می‌داشت. جامعه کنونی نیز به آموزه‌های دینی باید عمل کند. اگر دوست خوبی که انسان به او خوبی می‌کند، از دنیا برود،

ص: ۵۵

آدمی با خوبی‌کردن به دوستان او در واقع به دوست مرحومش خوبی می‌کند. چنین نیکوداشت‌ها در فرهنگ غنی اسلام بی‌پیشینه نیست و الگوپذیری از آنها جامعه را به سوی اخلاق پسندیده و نیکوی می‌برد.

ص: ۵۶

ص: ۵۷

کتاب‌شناسی حضرت خدیجه

کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره شخصیت حضرت خدیجه (س) نوشته شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ص ام المؤمنین خدیجهٔ بنت خویلد، نوشته عبدالمنعم هاشمی، بیروت، دارالبحار- دارالتیسیر؛

ص حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، نوشته محمد محمدی اشتهاردی، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی؛

ص خدیجه بنت خویلد، نوشته محمد علی قطب، بیروت، دارالقلم؛

ص حیات السیدهٔ خدیجهٔ بنت خویلد من المهد الی اللحد، نوشته حسینعلی شرهانی، بیروت، مکتبهٔالهلال و دارالبحار؛

ص ام المؤمنین خدیجهٔ الطاهره، نوشته حسین شاکر، چاپخانه ستاره، ۱۴۲۱.

ص: ۵۸

ص: ۵۹

کتابنامه

۱. الآحاد و المثانی، عمرو بن ابی عاصم، تحقیق: باسم فیصل احمد جوابرة، دار الدرایة، ۱۴۱۱ ه. ق.

۲. الاخبار الطوال، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ه. ش.

۳. اخبار مکه، محمد بن عبدالله ازرقی، تحقیق: رشدی صالح ملحس، مکه، دارالثقافه، ۱۴۱۵ ه. ق.

۴. الاربعون حدیثا، منتجب الدین رازی علی بن عبیدالله بن بابویه، به اهتمام سید جلال الدین طبیب پور اصفهانی، به سرپرستی سید محمدباقر موحد ابطحی، قم، مؤسسهٔ الامام المهدی، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله بن‌عبدالبر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق.

۶. اسدالغابه، علی بن محمد ابن اثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ه. ق.

۷. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمدبن علی بن‌حجر تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق.

ص: ۶۰

۸.

۹. اعلام الوری باعلام الهدی، علی بن فضل طبرسی، تحقیق: مؤسسهٔ آل البیت، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ه. ق.

۱۰. امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۰ ه. ق.

۱۱. الانباء فی تاریخ الخلفاء، ابن عمرانی، تحقیق: قاسم سامرائی، قاهره، دار الافاق العربیه، ۱۴۲۱ ه. ق.

۱۲. انساب الاشراف، احمدبن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه. ق.

۱۳. الانساب، عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۴. البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، مکتبهٔ الدینیه.

۱۵. البدایهٔ والنهایهٔ، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۶. تاریخ الائمهٔ (المجموعهٔ)، کاتب بغدادی به کوشش: سید محمود مرعشی، قم، مکتبه آیهٔ اللهالعظمی مرعشی نجفی.

۱۷. تاریخ الأمم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.

۱۸. تاریخ الصحابه، محمد بن حبان، تحقیق: بوران الضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۹. تاریخ الیعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.

ص: ۶۱

۲۰.

۲۱. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ه. ش.

۲۲. تاریخ مدینه دمشق، علی‌بن الحسن بن‌عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۳. التعریف و الاعلام فی ما ابهم فی القرآن من الاسماء الاعلام، عبدالرحمن سهیلی، تحقیق: عبدالله محمدعلی علی القراط، طرابلس، لجنهٔ التراث الاسلامی، ۱۴۰۱ ه. ق.

۲۴. جمهرهٔ انساب العرب، علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ه. ق.

۲۵. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم، مؤسسهٔ الامام المهدی، باشراف: سید محمد باقر موحد ابطحی، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲۶. الخصال، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی (شیخ صدوق)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعهٔالمدرسین، ۱۴۱۶ ه. ق.

۲۷. سنن، احمد بن شعیب نسائی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ه. ق.

۲۸. سیره ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، تحقیق: سهیل زکار، قم، دارالفکر، مؤسسهٔ اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ه. ق.

۲۹. السیرهٔ الحلبیه، علی‌بن برهان حلبی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ ه. ق.

۳۰. السیرهٔ النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالقلم.

ص: ۶۲

۳۱.

۳۲. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن‌حبان، (علاء الدین علی بن بلبان الفارسی)، تحقیق: شعیب الارنووط، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۱۴ ه. ق.

۳۳. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.

۳۴. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دار الفکر.

۳۵. الصحیح من سیرهٔ النبی الأعظم، جعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۳۶. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه. ق.

۳۷. کتاب الثقات، محمد بن حبان، حیدر آباد هند، دائرهٔالمعارف العثمانیه.

۳۸. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه. ق.

۳۹. المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، بیروت، دارالافاق الجدیده.

۴۰. مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، قم، مؤسسهٔ دارالهجره، ۱۴۰۹ ه. ق.

۴۱. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبد الله حاکم نیسابوری، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ص: ۶۳

۴۲.

۴۳. مسند احمد، احمد بن حنبل بیروت، دار صادر.

۴۴. المعارف، عبدالله بن مسلم بن‌قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشهٔ، قاهره، دارالمعارف.

۴۵. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبهٔ ابن تیمیهٔ.

۴۶. المغازی النبویه، محمد بن شهاب زهری، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.

۴۷. مناقب آل ابی‌طالب، محمد بن علی بن‌شهر آشوب، تحقیق: لجنهٔ من اساتذهٔ النجف الاشرف، نجف، مطبعهٔ الحیدریه، ۱۳۷۶ ه. ق.

۴۸. الهدایهٔ الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، مؤسسهٔ البلاغ، ۱۴۱۱ ه. ق.

۴۹. ینابیع المودهٔ لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، اسوه، ۱۴۱۶ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».